

آشنایی با روشها و ابزارهای جنگ نرم

ویژه میانسال

ارائه محتوا جهت استفاده

مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فهرست

۳	دلایل استفاده از جنگ نرم
۴	تفاوت‌های جنگ نرم و جنگ سخت
۱۰	اهداف جنگ نرم
۱۱	ابزارهای جنگ نرم
۱۳	تاکتیک‌های جنگ نرم



دلایل استفاده از جنگ نرم

انتشار مقاله مشهور «جوزف نای» نظریه پرداز آمریکایی تحت عنوان «قدرت نرم» power Soft در فصلنامه آمریکایی foreign policy در سال ۱۹۹۰ دیدگاه جدیدی را به مخاطبان ارائه کرد که براساس آن ایالات متحده به جای آن که از طریق بکارگیری آنچه که قدرت سخت می نامند به انجام کودتای نظامی در کشورهای رقیب اقدام کند؛ تلاش خود را بر ایجاد تغییرات در کشورهای هدف از طریق تأثیرگذاری بر نخبگان جامعه متمرکز می کند.

بر این اساس آمریکا می توانست بجای سرمایه گذاری میلیارد دلاری بر تئوری جنگ ستارگان به منظور مقابله با آنچه تهدید شوروی خوانده می شد، به سرمایه گذاری بر نخبگان جامعه شوروی از طرق مختلف اقدام کند. پس از فروپاشی شوروی جوزف نای مقاله دیگری تحت عنوان «کاربرد قدرت نرم» در فصلنامه فارن پالیسی در سال ۲۰۰۴ منتشر ساخت که تکمیل کننده نظرات قبلی او متناسب با تغییرات جهان در سال های پس از فروپاشی شوروی و بویژه تحولات ناشی از واقعه یازده سپتامبر در روابط بین الملل بود.

در مقاله مذکور جوزف نای دیدگاه خود را درباره ایجاد تغییرات از طریق به کارگیری دیپلماسی عمومی در کنار بکارگیری قدرت نرم در میان نخبگان جامعه هدف مطرح کرد. بعدها نظرات او تکمیل تر شد و بعنوان دستورالعمل سیاست خارجی آمریکا تحت عنوان بکارگیری «قدرت هوشمند» Smart power به مورد اجرا گذارده شد. براساس این نظریه آمریکا با استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمند به برقراری نفوذ در بدنه جامعه هدف کمک می کند. این دیدگاه با دستورالعمل های اجرایی که توسط کارشناسان اطلاعاتی آمریکا نظیر دکتر «جین شارب» تهیه شد، در سطح رسانه های گروهی به مفهوم «انقلاب نرم» معروف شد.

بنابراین جنگ نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین و درعین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع جنگ علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می توان با کمترین هزینه با حذف تهاجم خود قرار می دهد.

جنگ نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست های نظام را تضعیف می کند، فروپاشی روانی یک ملت می تواند مقدمه ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب قدرت است. بر این پایه یک کشور می تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش های آن را می پذیرند، از آن تبعیت می کنند، تحت تأثیر پیشرفت و آزاد اندیشی آن قرار می گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین جنگ نرم از یکسو توانایی کسب آنچه که می خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش می باشد (و از سوی دیگر نشان دهنده، تفاوت های عمده آن با جنگ سخت می باشد).

تفاوت های جنگ نرم و جنگ سخت

- ۱- حوزه تهدید نرم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، در حالی که حوزه تهدید سخت امنیتی و نظامی می باشد؛

۲- تهدیدهای نرم پیچده و محصول پردازش ذهنی نخبگان و بنابراین اندازه‌گیری آن مشکل است، در حالی که تهدیدهای سخت؛ عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها اندازه‌گیری کرد؛

۳- روش اعمال تهدیدهای سخت، استفاده از زور و اجبار است، در حالی که در نرم، از روش القاء و اقناع بهره‌گیری می‌شود. و تصرف و اشغال سرزمین است در حالی که در تهدید نرم، هدف تاثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است؛

۴- مفهوم امنیت در رویکردهای نرم شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی می‌شود، در حالی که این مفهوم در رویکردهای سخت به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.

۵- تهدیدهای سخت، محسوس و همراه با واکنش برانگیختن است، در حالی که تهدیدهای نرم به دلیل ماهیت غیر عینی و محسوس آن، اغلب فاقد عکس‌العمل است.

۶- مرجع امنیت در حوزه تهدیدهای سخت، به طور عمده دولت‌ها هستند، در حالی که مرجع امنیت در تهدیدهای نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است؛

۷- کاربرد تهدید سخت در رویکرد امنیتی جدید عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی- امنیتی مخالف یا معارض است، در حالی که کاربرد تهدید نرم در رویکردهای امنیتی جدید علیه نظام‌های سیاسی مخالف یا معارض، مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های لیبرال و دموکراسی تلقی می‌شود.

جنگ نرم نیز همانند جنگ سخت اهداف مختلفی دارد و قاعدتا هدف غایی هر دو آنها تغییر کامل نظام سیاسی یک کشور است که البته با اهداف محدودتر هم انجام می گیرد. در حقیقت جنگ نرم و جنگ سخت یک هدف را دنبال می کنند و این وجه مشترک آنهاست، در هر صورت هدف اصلی این جنگ، اعمال فشار برای ایجاد تغییر در اصول و رفتار یک نظام و یا به طور خاص تغییر خود نظام است.

پروژه دلتا یکی از موضوعات مورد بررسی و در واقع راهبرد پیشنهادی کمیته خطر جاری در خصوص مسائل ایران می باشد که در مهرماه ۸۴ به دولت بوش پیشنهاد شد. این کمیته با توجه به استحکام نظام جمهوری اسلامی و شکست دهه ها استراتژی در مقابل ملت ایران در طول سال های گذشته، جنگ سخت را بی فایده دانسته و خواستار توجه بیشتر دولت ایالات متحده به پروژه ی نرم افزاری «براندازی از دورن» شدند!

در گزارش کمیته خطر جاری که تحت عنوان «ایران- امریکا، رهیافت جدید» توسط مارک پالمر جمع بندی و تدوین شد، تنها راه سرنگون سازی نظام جمهوری اسلامی، پیگیری مکانیسم های جنگ نرم و استفاده از تکنیک های عملیات روانی تبلیغاتی با استفاده از ۳ تاکتیک دکترین مهار، نبرد رسانه ای و ساماندهی و پشتیبانی نافرمانی مدنی، مورد تأکید و توصیه قرار گرفت.

این گزارش دارای ۱۵ محور کلی به ترتیب زیر است:

۱- ایران باید در صدر برنامه سیاست خارجی امریکا در چهار سال آینده قرار گیرد. واشنگتن اکنون به رویکرد جدیدی نیاز دارد. باید همه نیروها برای این استراتژی بسیج شوند.

باید درس‌های گذشته مورد بازبینی قرار گیرد، درس‌هایی که از فروپاشی بلوک شرق به یادگار مانده است و هم چنین درس‌هایی که از تغییر حکومت‌ها در کشورهای مثل شیلی و اندونزی گرفته شد.

۲- این کشور علاوه بر برنامه‌ی هسته‌ای‌اش، با حمایت از گروه‌هایی چون حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و گروه‌هایی در عراق، مانع تحقق منافع امریکا در منطقه می‌شود. از سویی دیگر ثروت رو به رشد نفت ایران، توانایی و ظرفیت آن را در داخل کشور و منطقه افزایش می‌دهد. فرصتی که در این میان وجود دارد، استفاده از ضعف سیاست‌های اقتصادی و اختلافات درونی ایران است.

۳- دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکلهای دانشجویی و نهادهای غیر دولتی و صنفی از ابزارهای مهم فشار بر ایران است.

۴- باید برای بازگشایی سفارت ایالات متحده در تهران ابراز تمایل کنیم. همزمان باید یکی از بلندپایه ترین مقامات خود را بعنوان فرد شماره یک، در این سیاست جدید در مقابل ایران انتخاب و معرفی کنیم. این فرد می‌تواند یکی از کنسول‌های وزارت خارجه باشد و باید به طور مرتب حمایت خود را از حقوق بشر و دموکراسی در ایران مورد تأکید قرار داد. از این طریق می‌توانیم ارتباط خود را با مردم ایران تقویت کنیم.

۵- اگر قرار است گفتگو و تعامل با ایران صورت گیرد، باید با مقامات با نفوذ ایرانی و آن‌ها که قدرت واقعی و کافی برای تصمیم‌گیری‌ها دارند، انجام شود، همچون مقامات مورد وثوق و تأیید رهبری ایران. باید دانست در این باره دیگران در ایران چنین قدرتی ندارند.

۶- باید شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی را برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های روز، به دست مردم ایران برسانیم.

۷- درباره فعالیت هسته‌ای ایران، باید با احتیاط و دوراندیشی و چند جانبه عمل کرد. باید فشارها را بر ایران بیشتر کرد و در صورت استنکاف ایران، پرونده این کشور را به شورای امنیت فرستاد. گرچه اولویت اول، اعمال فشار دیپلماسی از طریق متحدان است به گونه‌ای که ایران داوطلبانه از فعالیت‌ها و برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند.

۸- حمایت از اپوزیسیون هم می‌تواند از عوامل مؤثر بر تغییر رژیم ایران باشد. سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد ایالات متحده به ایران، راه دیگری در این رویکرد است. این افراد می‌توانند بعنوان جهانگرد وارد ایران شوند و در صورت نیاز به جنبش‌های مدنی و نافرمانی‌ها بپیوندند.

۹- باید فعالیت NGOهای امریکایی را در ایران تسهیل کنیم و به صدور ویزا همت گماریم. دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج، برای شرکت در سمینارهای کوچک هم، اقدام مهمی است. این کار در صربستان، فیلیپین، اندونزی و شیلی و کشورهای دیگر جواب داده است. این افراد باید از سوی مقامات امریکایی انتخاب شوند، نه نهادهای ایرانی.

۱۰- سفارتخانه‌های کشورهای دیگر هم می‌توانند در تهران برای ما مؤثر باشند. حضور در جلسات محاکمه، درخواست مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی، کمک مالی به خانواده‌های زندانیان و گروه‌های مخالف حکومت و حتی نظارت یا مشارکت در اعتراض‌ها، از جمله این راه‌های تأثیرگذار است.

کنگره باید تصویب قانونی به نام «آزادی ایران» را بررسی کند تا از طریق آن حمایت کافی از آن را بعمل آورد.

۱۱- تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران که همانا سرویس‌های امنیتی و نظامی این کشور می‌باشند، باید در دستور کار قرار گیرند.

۱۲- سرویس‌های امنیتی و قضایی امریکا و متحدانش باید در همکاری با سازمان‌های حقوق بشر به جمع‌آوری مدارک و شواهدی در متهم کردن مسئولین ایرانی به موارد شبیه میکونوس اقدام کنند.

۱۳- باید رهبران روحانی ایران را که در رأس قدرت هستند، وادار کرد از قدرت سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز کناره بگیرند.

۱۴- باید قدرت بسیج و سپاه را از میان برد و در وزارت اطلاعات تغییرات اساسی ایجاد و یا به طور کلی آن را حذف کرد.

۱۵- گفتگو با دولت ایران هم باید در دستور کار باشد. ما باید تعامل خود را برای دیدار با مقامات ایران و بحث و گفتگو درباره موضوعات مورد علاقه و نگرانی دو طرف نشان دهیم».

بسترها و زمینه‌های موفقیت دشمن در جنگ نرم:

۱- رشد و گسترش سبک زندگی غربی

۲- تقویت جریان سکولار

۳- تضعیف نظام فقه‌پرهیزی و جایگاه مراجع تقلید

۴- ایجاد شائبه ناکارآمدی نظام اسلامی

۵- رشد جمعیت جوان

۶- فقر در شناخت لازم و کامل از ابزارها و فن‌آوری‌های مدرن

۷- تفاوت در سبک زندگی و تبع تفاوت نسلی

۸- عقب ماندگی در فن آوری ها

۹- تعمیق و تراکم شکاف های اجتماعی موجود

عوامل تشدید کننده موفقیت دشمن در جنگ نرم

۱- فقر کار تئوریک

۲- ابهام در سیاست فرهنگی رسمی نظام

۳- عمل زدگی مسئولین و مدیران فرهنگی

۴- مسأله یابی غلط

۵- بی ثباتی در عرصه قانونگذاری و بلاتکلیفی قوانین

۶- شکاف میان مسئولین و نخبگان

۷- پراکنده کاری و نبود انسجام و همکاری بین فعالان فرهنگی جبهه انقلاب

اسلامی

۸- برخوردهای سیاسی، تبلیغاتی و غیرعلمی با مفاهیم

اهداف جنگ نرم

۱- استحاله فرهنگی در جهت تأثیرگذاری شدید بر افکار عمومی جامعه مورد

هدف با ابزار خبر و اطلاع رسانی هدفمند و کنترل شده که نظام سلطه همواره از

این روش برای پیشبرد اهداف خود سود جسته است.

۲- استحاله سیاسی به منظور ناکارآمد جلوه دادن نظام مورد هدف و تخریب و

سیاه نمایی ارکان آن نظام.

۳- ایجاد رعب و وحشت از مسائلی همچون فقر، جنگ یا قدرت خارجی سرکوبگر

و پس از آن دعوت به تسلیم از راه پخش شایعات و دامن زدن به آن برای ایجاد

جو بی اعتمادی و ناامنی روانی.

- ۴- اختلاف افکنی در صفوف مردم و برانگیختن اختلاف میان مقام های نظامی و سیاسی کشور مورد نظر در راستای تجزیه سیاسی کشور.
- ۵- ترویج روحیه یاس و ناامیدی به جای نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت های کشور.
- ۶- بی تفاوت کردن نسل جوان به مسائل مهم کشور.
- ۷- کاهش روحیه و کارآیی در میان نظامیان و ایجاد اختلاف میان شاخه های مختلف نظامی و امنیتی.
- ۸- ایجاد اختلاف در سامانه های کنترلی و ارتباطی کشور هدف.
- ۹- تبلیغات سیاه (با هدف براندازی و آشوب) به وسیله شایعه پراکنی، پخش تصاویر مستهجن، جوسازی از راه پخش شب نامه ها و...
- ۱۰- تقویت نارضایتی های ملت به دلیل مسائل مذهبی، قومی، سیاسی و اجتماعی نسبت به دولت خود به طوری که در مواقع حساس این نارضایتی ها زمینه تجزیه کشور را فراهم کند.
- ۱۱- تلاش برای بحرانی و حاد نشان دادن اوضاع کشور از راه ارائه اخبار نادرست و نیز تحلیل های نادرست و اغراق آمیز.
- جنگ نرم به ابزارها و امکاناتی نیاز دارد تا بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند.

ابزارهای جنگ نرم

جنگ نرم با پشتوانه قدرت نرم انجام می گیرد. بنابراین تمامی ابزارهای حامل قدرت نرم را باید به عنوان ابزارهای جنگ نرم مورد توجه و شناسایی قرار داد.

این ابزارها انتقال دهنده پیام‌ها با اهداف خاص هستند. در عصر ارتباطات با تنوع ابزاری برای انتقال پیام از یک نقطه به نقطه دیگر هستیم. رسانه‌ها شامل رادیو، تلویزیون و مطبوعات، عرصه‌های هنر شامل سینما، تئاتر، نقاشی، گرافیک و موسیقی، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های انسانی در زمره ابزار جنگ نرم به شمار می‌آیند.

با توجه به اینکه در جنگ نرم از ابزار مختلفی استفاده می‌شود می‌توان گفت که به همان نسبت نیز گروه‌های مختلفی را مورد هدف و مبارزه قرار می‌دهد. چه افراد و تشکلهایی هدف جنگ نرم هستند؟

همه افراد جامعه می‌توانند بخش‌های مشخصی باشند که مورد نظر راه اندازان جنگ نرم قرار گرفته‌اند و البته این موضوع وابسته به هدفی است که بانی جنگ نرم آن را دنبال می‌کند. اقشار مورد نظر بانیان جنگ نرم بستگی به هدف آنها دارد که میان مدت است یا عمومی و با توجه به هدف اقشار را تحت نظر می‌گیرند اما در حالت کلی می‌توان گفت که گروه‌های هدف در جنگ نرم، رهبران، نخبگان و توده‌های مردم هستند. نخبگان نیروهای میانی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند به عنوان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان یک حکومت مطرح باشند. نخبگان جامعه مدنی مانند رهبران احزاب و... هم با آشفته‌گی ذهنی خود، می‌توانند ترس را به ذهن مردم انتقال دهند، وحشت ایجاد کنند و روحیه ملت را درهم بشکنند.

در بعضی موارد برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود گروه‌ها و اشخاص خاص و تأثیرگذار را مورد هدف قرار می‌دهند و از آن گروه یا فرد برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. مانند استفاده از قومیت‌های مختلف یا خواص و نخبگان

فرهنگی و علمی.

با توجه به اینکه در جنگ نرم از ابزارهای رسانه‌ای، فرهنگی و علمی استفاده می‌شود پوشش آن برای طبقات مختلف بیشتر و متفاوت‌تر است. جنگ رسانه‌ای می‌تواند توده‌های مردم را تحت تأثیر قرار بدهد و به همین شکل در جنگ علمی نخبگان را مورد هدف قرار دهد. افراد مورد نظر جنگ‌های نرم وابسته به هدف جنگ‌های نرم نیستند بلکه به دلیل اینکه در جنگ نرم ابزارهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد در نتیجه افراد بیشتری درگیر می‌شوند اما در جنگ سخت که تنها ابزار مورد استفاده ابزار نظامی است تنها گروه‌های نظامی (و در موارد معدودی غیر نظامیان) در طرف مقابل قرار می‌گیرند.

در جنگ نرم علاوه بر استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، فرهنگی و علمی برای نفوذ در طبقات و اقشار مختلف از تاکتیک‌های متنوعی مختلفی استفاده می‌شود.

تاکتیک‌های جنگ نرم

۱- برچسب زدن: بر اساس این تاکتیک، رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل کرده و آنها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند.

۲- تلطیف و تنویر: از تلطیف و تنویر (مرتبط ساختن چیزی با کلمه‌ای پر فضیلت) استفاده می‌شود تا چیزی را بدون بررسی شواهد بپذیریم و تصدیق کنیم.

۲- انتقال: انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امری مورد احترام به چیزی دیگر برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود.



۴. تصدیق: تصدیق یعنی اینکه شخصی که مورد احترام یا منفور است بگوید فکر، برنامه یا محصول یا شخص معینی خوب یا بد است. تصدیق فنی رایج در تبلیغ، مبارزات سیاسی و انتخاباتی است.

۵- شایعه: شایعه در فضایی تولید می‌شود که امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات موثق امکان‌پذیر نباشد.

۶- کلی‌گویی: محتوای واقعی بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی صادره و در جامعه منتشر می‌شود، مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد. تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، مملو از مفاهیمی مانند جهانی شدن، دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و... است. اینها مفاهیمی هستند که بدون تعریف و توجیه مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمینه‌ای مشخص بکار گرفته می‌شوند.

۷- دروغ بزرگ: این تاکتیک قدیمی که هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸- پاره حقیقت‌گویی: گاهی خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد.

۹- انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی: یکی از موثرترین شیوه‌های توجیه حمله به دشمن به هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، «انسانیت‌زدایی» است. چه اینکه وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزیل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می‌توان اقدامات خشونت‌آمیز علیه این دیو و اهریمن را توجیه کرد.

۱۰- ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز: در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی (از جمله کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، اهریمن‌سازی و ...) به ارائه پیشگویی‌های مصیبت‌بار می‌پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش داده و بر اساس میل و هدف خویش افکار وی را هدایت نمایند.

۱۱- قطره‌چکانی: در تاکتیک قطره‌چکانی، اطلاعات و اخبار در زمان‌های گوناگون و به تعداد بسیار کم و به صورتی سریالی ولی نا منظم در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد تا مخاطب نسبت به پیام مربوطه حساس شده و در طول یک بازه زمانی آن را پذیرا باشد.

۱۲- حذف و سانسور: در این تاکتیک سعی می‌شود فضایی مناسب برای سایر تاکتیک‌های جنگ نرم به ویژه شایعه خلق شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد. در این تاکتیک با حذف بخشی از خبر و نشر بخشی دیگر به ایجاد سوال و مهمتر از آن ابهام می‌پردازند و بدین ترتیب زمینه تولید شایعات گوناگون خلق می‌شود.

۱۳- جاذبه‌های جنسی: استفاده از غریزه‌ی جنسی و نمادهای اروتیکال از تاکتیک‌های مهم مورد استفاده رسانه‌های غربی است به طوری که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق برنامه‌های رسانه‌های غربی از این جاذبه در جهت جذب مخاطبان خویش به ویژه جوانان که فعالترین بخش جامعه هستند، بهره می‌گیرند.

۱۴- ماساژ پیام: در ماساژ پیام، از انواع تاکتیک‌های گوناگون (حذف، کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، زمان بندی، قطره چکانی و...) جنگ نرم استفاده می‌شود تا پیام بر اساس اهداف تعیین شده شکل گرفته و بتواند تصویر مورد انتظار را در -

تصویر

ذهن مخاطب ایجاد کند. در واقع در این متد، پیام با انواع تاکتیک‌ها ماساژ داده می‌شود که از آن مفهوم و مقصودی خاص برآید.

۱۵- ایجاد تفرقه و تضاد: ازجمله اموری که در فرآیند جنگ نرم مورد توجه واقع می‌شود، تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است. ایجاد و القاء وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقیب باعث عدم انسجام و یکپارچگی شده و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه حامیان خود می‌کند و از این طریق از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرت‌ش فرسوده شود.

۱۶- ترور شخصیت: در جنگ نرم بر خلاف جنگ سخت، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است. در زمانی که نمی‌توان و یا نباید فردی مورد ترور فیزیکی قرار گیرد با استفاده از نظام رسانه‌ای و انواع تاکتیک‌ها از جمله بزرگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی، پاره حقیقت‌گویی و... وی را ترور شخصیت می‌کنند و از این طریق باعث افزایش نفرت عمومی و کاهش محبوبیت وی می‌شوند. دشمنان انقلاب و نظام اسلامی نیز با استفاده از این تاکتیک و بهره‌گیری از ابزار طنز، کاریکاتور، شعر، کلیپ‌های کوتاه و... که عموماً از طریق اینترنت و تلفن همراه، پخش می‌شود به ترور شخصیت برخی افراد سیاسی و فرهنگی موجه و معتبر در نزد مردم می‌پردازند.

۱۷- تکرار: برای زنده نگه داشتن اثر یک پیام با تکرار زمان بندی شده، سعی می‌کنند این موضوع تا زمانی که مورد نیاز هست زنده بماند. در این روش با تکرار پیام، سعی در القای مقصودی معین و جا انداختن پیامی در ذهن مخاطب دارند.

۱۸- توسل به ترس و ایجاد رعب: در این تاکتیک از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن، به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آنها

استفاده می‌شود. متخصصان جنگ نرم، ضمن تهدید و ترساندن مخاطبان به طرق مختلف به آنان چنین القاء می‌کنند که خطرات و صدمه‌های احتمالی و حتی فراوانی بر سر راه آنان ممکن کرده است و از این طریق، آینده‌ای مبهم و توأم با مشکلات و مصائب برای افراد ترسیم می‌کنند.

۱۹- مبالغه: مبالغه یکی از روشهایی است که با اغراق کردن و بزرگ‌نمایی یک موضوع، سعی در اثبات یک واقعیت دارد. کارشناسان جنگ روانی، از این فن در مواقع و وقایع خاص استفاده می‌کنند. غربی‌ها همواره با انعکاس مبالغه‌آمیز دستاوردهای تکنولوژیک خود و اغراق در ناکامی‌های کشورهای جهان اسلام سعی در تضعیف روحیه مسلمانان در تقابل با تمدن غربی دارند.

۲۰- مغالطه: مغالطه شامل گزینش و استفاده از اظهارات درست یا نادرست، مشروح یا مغشوش و منطقی یا غیرمنطقی است، به این منظور که بهترین یا بدترین مورد ممکن را برای یک فکر، برنامه، شخص یا محصول ارائه داد. متخصصین جنگ نرم، مغالطه را با «تحریف» یکسان می‌دانند. این روش، انتخاب استدلال‌ها یا شواهدی است که یک نظر را تایید می‌کند و چشم‌پوشی از استدلال‌ها یا شواهدی که آن نظر را تائید نمی‌کند.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

اگر ما بیدار باشیم، غفلت و یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند.
امروز روز بیداری ذهنهاست.
امروز کشور و ملت احتیاج دارد به این که مردم، تیزبین، هوشیار، بیدار
و دشمن شناس باشند؛ بفهمند دشمن چه می کند.



سازمان بسیج مستضعفین
معاونت تربیت و آموزش

